

بخش راجع بزنان

زن در ایران باستان

بقلم آقای پورداود
استاد دانشگاه

- ۲ -

اینک ببینیم دردین کهنسال ایران زن چگونه یاد شده است . شك نیست که دین هر قومی در امور اجتماعی آن قوم مدخلیت دارد اگر در ایران باستان نیاگان ما زن را بست و خوار یا گرامی و ارجند میداشتند بنا به تعلیم دینی آنان بوده است در اوستایی که امروزه در دست داریم با اینکه چهار يك اوستایی است که نیاگان مادر روزگار ساسانیان در دست داشتند در هیچیک از فقرات آن بزن اهانت نشده است برخلاف از هر حیث مقام محترمی از برای او قائل شده اند از برای نمونه چند فقره از اوستا را درباره زن یاد آور میشویم . نخست پیش از بر شمردن آن فقرات باید بدانیم که در آیین مزدیسنا (مزدا پرستی) در میان گروه ایزدان و فرشتگان هفت تن از آنان مقام بسیار ارجندی دارند که آنان را « امشاسپند » یعنی جاودانی خوانند در سر این گروه هفتگانه سیند مینو که خرد مقدس اهورا مزداست جای دارد و سه تن از آنان که امروزه در فارسی بهمن واردیهشت و شهریور گوئیم مذکر دانسته شده اند این سه امشاسپند بحسب ترتیب نماینده منش نیک و تقدس و توانائی آهو را مزدا هستند و سه تن از آنان در اوستا سینتا ارمشیتی Spentâ armaiti امرتات Ameretât هئوروات Hau:vatât خوانده شده‌اند و در فارسی سیندارمذو و امرداد و خرداد گوئیم هر یک از این سه امشاسپند بحسب ترتیب نماینده یارسانی و فروتنی و بردباری ، بیداری یا جاودانی کمال و رسائی اهورا مزدا میباشد . در جهان خاکی نگهبانی زمین و گیاه و آب یا آنان است این سه امشاسپند هر سه مؤث دانسته شده اند . غالباً در اوستا از سیندارمذ (سینتا ارمشیتی) که گفتیم در جهان مینوی نماینده فروتنی و بردباری اهورا مزدا و در جهان خاکی نگهبانی زمین سیرده یاوست ، خود زمین اراده میشود و بسا دختر اهورا مزدا خوانده شده است . پیداست که از این عنوان چه مقام ارجندی از برای زن و زمین قائل شده‌اند و خواسته اند بگویند هر آنکه مادر زمین را که بجای دختر خداوندگار است با کشاورزی خرم و آباد دارد مایه خشنودی پدر آسمانی است . دیگر اینکه در آیین مزدیسنا عقیده دارند که روان آدمی پس از مرگ در بامداد روز چهارم از

زن
دراوستا

بستر مرده جدا شده بسوی جهان بالا میشتابد در آنجا دین خود را بیسکر دختر جوان و زیبایی می بیند که او را ازیل چنوت (پل صراط) گذرانده بسوی بهشت رهنمون میشود چنانکه روان گناهکار را زن زشتی درجهان دیگر بسوی دوزخ میکشاند در اینجا باید یاد آور شویم که واژه دثنا daëna که در فارسی دین شده در اوستا مؤنث است.

دثنا در اوستا گاهی بمعنی وجدان است و گاهی بمعنی کیش - مجسم شدن دین پس از مرگ چنانکه در «ها دخت نسک» آمده یکی از شاهکارهای اوستاست. ❁

دیگر اینکه در مزدیسنا بطور موهودی در آخر الزمان که او را «سوشیانت» خوانند ، عقیده دارند . یاران جاودانی سوشیانت که وی را در برانگیختن مردگان یاوری کنند و جهان مینوی را بیارینند سی تن دانسته شده اند پانزده تن از آنان مرد اند و پانزده تن دیگر زن . چنانکه دیده میشود در روز پسین هم در آراستن جهان مینوی وزندگی روحانی از یاوری زنان بی نیاز نیستند .

در کشور خشک و گرم و کوهستانی ایران ، آب عنصر بسیار گرانبهائی است . ایزدی که سرچشمه آنها از اوست و نگهبانی این «آخشیح» سیرده بدوست فرشته ایست مؤنث و آن ناهید است که در اوستا انا هیتا Anahitâ نامیده شده است .

در آبان یشت که در ستایش این فرشته زیبا و نیرومند است در فقرات ۱۲۶-۱۲۹ مانند یکی از زنان آزاده تعریف شده است این چنین ، ناهید یاک و توانا هماره بیسکر دختر جوان بسیار پرومند و خوش اندام جلوه گر است . آزاده و بلند بالاست کمر بند بیجان بسته و جامه گرانبها دربر دارد . تاجی ستاره نشان بر سر و کفش زرین بپا دارد ، با گوشواره و گردن بند آراسته است .

در فروردین یشت در ردیف گروهی از مردان نامور و پارسا بفرور شازده تن از زنان و یازده تن از دوشیزگان درود فرستاده شده است پس از آن در فقرات ۱۴۳ - ۱۴۵ این یشت آمده : فرورهای مردان یاک ایران زمین را میستائیم فرورهای زنان یاک ایران زمین را میستائیم

فرورهای مردان یاک همه روی زمین را میستائیم ، فرورهای زنان یاک همه روی زمین را میستائیم . در گوش یشت فقره ۲۶ و درارت یشت فقره ۴۶ آمده که پیغمبر ایران «درواسپا» Drvâspâ فرشته نگهبان چهاربایان سودمند و اشئ Ashi فرشته توانگری راستوده از آنان خواستار است که دینش طرف توجه هوتس Hutaosâ زن کی گشتاسب گردد اینچنین ، این کامیابی را بمن بخش ای اشئ که من هوتس نیک و آزاده را بر آن دارم که بحسب دین بیندیشد بحسب دین سخن گوید ، بحسب دین رفتار کند و بدین مزدا پرستی من بگردد و آن را دریابد آنچه آن که در میان گروه پیروان من مایه نام و آوازه نیکو شود .

دریستا ۱۲ فقره آمده آن زن و این زمین را که حامل ماست بزرگ و سرور همبخوانیم

دریستا ۳۸ فقره ۱ گوید: ما میستائیم زنان این زمین را که حامل ماست و آن زنانی را که از تو هستند ای اهورا مزدا. آن زنانی را که از راستی برخوردارند ما میستائیم، در اوستا فقراتی که زنان نیکی یاد گردیده و ستوده شده‌اند بسیار است از آنهاست فقره ۶ از یسنا ۱، فقره ۵ از ویسپردا، فقره ۷ از ویسپرد ۲، فقره ۴ و ویسپرد ۳ و جزاینها در این فقرات بزنانی درود فرستاده شده و ارجند خوانده شده و در خور ستایش دانسته شده که دارای فرزندان پاک باشند و نیک سرشت باشند. در اندیشه و کردار و گفتار نیک سرآمد باشند خوب تربیت شده و نسبت بشهران خود شنوا باشند، در پاکی مانند سیندار مذ و از زنان اهورائی بشمار آیند. بزودی خواهیم دید که در قانون مدنی ایران باستان دختری مجبور نبوده که بمیل واراده پدر خود شوهر کند میل خود آن دختر شرط ازدواج او بود. در یکی از قطعات گاتها که از سرود های خود پیغمبر زرتشت است و قدمت آن سه هزار سال میرسد پیغمبر ایران درباره عروسی دخترش پشوروچیستا Pourutchista در وهشیتو ایشت گات (یسنا ۵۳) بنده ۳ فرماید: ای پشوروچیستا از پشت هچت اسپ و خاندان سیبتم، (۷) ای جوانترین دختر زرتشت، من از برای تو با منش نیک و راستی شوهر آزموده برگزیدم اما تو از خرد خویش پندیرس، آنگاه بجای آر آنچه را که از یارسانی و نیک اندیشی است.

شوهری که زرتشت از برای دختر خود برگزید جاماسب وزیر کی گشتاسب است اما دخترش را در این انتخاب آزاد گذاشت و میفرماید باخرد خودت مشورت کن و آنچه دلت خواست بجای آر در بند پنجم همین سرود پیغمبر بدختران و مردانی که در بزم عروسی بودند خطاب کرده گوید:

بشما ای دختران شوهر کننده و شما [نیزای جوانان] میگویم و پند میدهم آن را بیاد بسپرید و درست دریابید، باید در کوشش زندگی جهانی در راستی و پاک منشی از همدیگر برتری جوئید زیرا چنین کوششی در خور یاداش نیک خواهد بود.

در دین ایران باستان میان مرد و زن فرقی گذاشته نشده و یکی بدیگری برتری ندارد. مرد و زن هر دو مکلف هستند که آنچه را درست و نیک یاقند و از برای خود پسندیدند دیگران را نیز از آن بیاگاهانند تا آنان را بر راه راست رهنمون گردند (یسنا ۳۶ فقره ۶). ما میستائیم اکنون جان و وجدان (دئنا) و نیروی دراکه و روان و فروهر نخستین آموزگاران کیش و نخستین شنوگان آموزش [دینی] را، آن مردان و زنان پاک را که در راه راستی پیروزی رسیدند (یسنا ۲۶ فقره ۴).

سروش پاک یس از فرو رفتن خورشید (شب هنگام) نگهبان مردان و زنان یسناست

(یسنا ۵۷ فقره ۱۰)

آ (۷) هچت اسپ Haetchat-aspa بگفته کتاب پهلوی بندش و مروج الذهب مسعودی چهارمین نیای زرتشت است، سپیتم Spitama در پهلوی سپیتمان نام خاندان پیغمبر و نهمین جد زرتشت است.

زن و مرد (پسر و دختر) هر دو باید بسن پانزده سالگی کستی بمیان بندند و سدره بیوشند (۸) (وندیداد، فرگرد ۱۸ فقره ۵۴ و فقره ۵۸)

ای اثیرییه من Airyaman گرمی (۹) از برای یناه بخشیدن مردان و زنان زرتشتی و از برای نگهبانی منش نیک بسوی ما بشتاب (یسنا ۵۴ فقره ۱)

اگر خواسته باشیم تمام فقراتی را که در اوستادرباره زن آمده در این مقاله یاد کنیم سخن بهر از آن خواهد کشید. با اینکه در اوستای بزرگ که دارای بیست و یک نساک یا کتاب بوده فقط چهار یک آن ما رسیده. از این باقیمانده چندین برابر آنچه ذکر کردیم میتوان در این موضوع مطالبی استخراج کرد. البته در اوستای بزرگ باز چندین بار بیشتر از اینها پیش از اینکه بخش بزرگتر اوستا در نتیجه تمصب عربی و یورش مغول از دست برود، موبد دانشمندی نامزد به «آتورفرنیخ» در نیمه سده سوم هجری کتاب معروف یهلوی دینکرد را نوشت و در پایان همان سده موبد دیگری از همان خاندان «آتورفرنیخ»، بنام «آتوریاد پسر امید» کار «دینکرد» را پایان رسانید. در جزء مطالب گوناگون این کتاب بسیار گرانها، در بخشهای هشتم و نهم آن بیست و یک نساک اوستا یک یک بنام خود یاد گردیده و از گفتار هر یک از آنها کم و بیش سخن رفته است آنچنان که امروزه خلاصه مندرجات نساکهای از دست رفته را میدانیم بخصوصه در طی خلاصه سه نساک که عبارت باشد از نیکاتوم نساک Nikatum و هوسپارم نساک Huspâram و سکانوم نساک Sekatum که از «نساکهای داتیک» یا قانونی بوده، میدانیم که تا بچه اندازه در این نساکهای قانونی از زن سخن رفته بود اینک چند فقره از آنها؛ زن حق مالکیت دارد و میتواند دارائی خود را اداره کند - زن میتواند قیم و نگهدار پسری باشد که پدر او را از حق میراث محروم ساخته - زن میتواند از روی قانون از طرف شوهر خود داخل محاکمه شود و بنام شوهر خود امور را اداره کند - زن میتواند از شوهر ستمکار و بد رفتار بدادستان شکایت برد و سزای او را بخواهد - شوهر حق ندارد بدون اجازه زنش دختر خود را بازدواج بدهد - در دادستان گواهی زن پذیرفته است - زن میتواند بمقام دادوری رسد و دادوری کند - زن میتواند در برخی از مواقع بجای موبدان مراسم دینی بجای آورد - و جزاینها آنچه تا کنون از دادستان و تاریخ و دین ایران باستان در باره زن یاد کردیم و از هر یک از آنها فقط نمونه بدست دادیم بخوبی میرساند که وضع زنان در این سرزمین در چند هزار سال پیش ازین بهتر از وضع کنونی آنان بوده است. نظر باینکه در دین ایران زن پست شمرده نشده میتوان احتمال داد که در قانون مدنی ایران باستان حق زن محفوظ بوده زیرا اساس قانون در هر کشور دین آن سرزمین است بخصوصه در روزگاران پیش در وضع قوانین مدنی کاملاً قوانین دینی رعایت میشد.

(۸) راجع بکستی یا کشته و سدره نگاه کنید بجلد خرده اوستا تفسیر نگارنده ص ۶۰

(۹) اثیرییه من Airyaman ایزد چاره و درمان و فرشته یزشکی است.

زن در قانون مدنی ساسانیان

خوشبختانه از روزگار ساسانیان کتاب بسیار گرانبهائی بزبان پهلوی در قانون مدنی به ما رسیده که احتمال خواننده این مقال را راجع بزین بیقین می پیوندد. این کتاب نامزد است به «ماتیکن هزاردستان». نویسنده دانشمند این نامه «فرخومرت وهرامان» نام دارد. شك نیست که ماتیکن هزار دستان یادگار است از روزگار ساسانیان. زمان تألیف آن باید عهد خسرو پرویز باشد زیرا نام چند تن از پادشاهان ساسانی تا خود خسرو پرویز در آن یاد شده است در ذکر آراء داوران از ۵۹ تن قانون شناسان و دانشمندان حقوق آن عهد در این کتاب نام برده شده است.

اینک چند قانون درباره زن از ماتیکن هزار دستان استخراج کرده بعرض خوانندگان میرسانم. دختر مجبور نیست شوهری را که پدر یا قیم و وصی او بر گرفته قبول کند، حق دارد او را رد کند، در صورتیکه دختر چنین شوهری را نپذیرفت. پدرش حق ندارد او را از ارث محروم کند و یا تنبیه دیگری در حق دخترش روا دارد، همچنین حق ندارد وجهی که بمنوان پول جیب میداد از او بازدارد، چیزی که بایست بمنوان جهیزیه بدخترش بدهد همیشه بادای آن مکلف است. ارثی که باید بدختر برسد در هنگام ازدواج بمنوان جهیزیه باو داده میشود. حق زن و پسر در ارث مساوی است. دختری که هنوز ازدواج نکرده حق او در ارث نیم حق ارث پسر است. داماد باید در وقت ازدواج بحسب شان آن دختر و خانواده وی مهریه معین کند تا اگر کار بطلاق کشید آن زن بتواند از آن مهریه استفاده کند. وقتی که دختر بسن باوغ رسید پدر مکلف است او را بشوهر بدهد، ثلثت یاسب دیگر مثلاً اینکه نخواست باشد از خدمت دخترش محروم بشود از او سلب تکلیف نمیکند باین قبیل قوانین در ماتیکن هزار دستان بسیار برمیخوریم و از مجموع آنها میتوان دانست که در ایران باستان از برای زنان شخصیت قائل بودند آنچنانکه زن در دین ایرانیان خوار نبود در مقابل قانون آنان هم خوار نبود و تاریخ ایران هم بهیچ روی گواه خواری او نیست یعنی درست برخلاف امروز.

توضیح

در شماره ۵ مقاله ای بقلم خانم محترم دکتر شمس الملوك مصاحب چاپ گردید که متأسفانه در ضمن خلاصه نمودن قسمت اول که ارتباط بها بعد داشته حذف شده. با معذرت خواهی از این پیش آمد متذکر میشویم که بواسطه تنگی جا در مجله مجبوریم خیلی از مقالات مفصل را مختصر کنیم و اگر بعلت گرفتاری زیاد گاهی از این قبیل پیش آمدها بشود امید عقود داریم. (آینده)